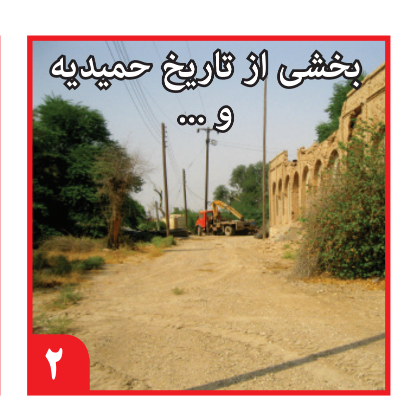
شنبه ۷ دی ۲۴/۱۳۹۲ صفر ۱۴۳۵/ ۲۸دسامبر۲۰۱۳/ سال ششم/ شماره ۵۵/ قیمت ۳۰۰ تومان

جنوبیها

نشریه فرهنگی-تحلیلی-خبری ۴ صفحه

www.joonobiha.weebly.com








شاخص‌های سلامت در استان در شان مردم نیست

دکتر اسماعیل ایدنی سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اظهارکرد: نگاه و تحلیلی که از وضعیت سلامت در استان دارم موجب شد به بحث مدیریت در حوزه سلامت وارد شوم. وضعیت استان به گونه‌ای است که توجه ویژه سیاست‌گذاران توسعه استان در بخش سلامت را نیاز دارد.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت: سلامت، دو بخش بهداشت و درمان دارد. بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان‌ها، حوادث، بیماری‌های تنفسی، بیماری‌های فلج‌کننده، بیماری‌های مرتبط با اعتیاد، بیماری‌های اعصاب و روان، بیماری‌های مرتبط با مصرف سیگار، بار بیماری‌هایی است که در استان خوزستان وجود دارند. عوامل و شاخص‌های موثر بر سلامت در استان بخشی مربوط به تغییر الگوی زندگی، بخشی ناشی از مصرف سیگار و ابتلا به اعتیاد، بخشی ناشی از شرایط خاصی که مردم استان بعد از جنگ تجربه کردند و همچنین وضعیت آب و هوا است.

ایدنی افزود: بار بیماری‌ها در خوزستان پیچیده است و این پیچیدگی بیشتر ناشی از عوامل کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که بر سلامت تاثیرگذار هستند.

وی اظهار کرد: یکی از مسایل مهم عوامل کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موثر بر سلامت در خوزستان، توسعه ناهمگن این استان است. از یک طرف بخشی از مردم در مناطق برخوردار شهرها زندگی می‌کنند و از طرف دیگر در حاشیه شهر می‌بینیم که هم الگوی زندگی و هم بار بیماری‌ها متفاوت است. وضعیت برخی شهرها در استان خوزستان از نظر شاخص‌های سلامت باورنکردنی و بسیار بسیار ابتدایی است.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت: شاخص‌های سلامت در استان خوزستان در شان مردم نیست و کاملا ابتدایی است. این نشان می‌دهد ما از شاخص عدالت در سلامت یعنی میزان برخورداری مردم از خدمات سلامت در استان، بسیار دور هستیم.

ایدنی تصریح کرد: خوزستان از نظر شاخص‌های سلامت در میانه‌های کشور قرار دارد ولی این از نظر میانگین شاخص‌ها است. ولی اگر اهواز که مناطق برخوردار زیادی دارد و همچنین دزفول را حذف کنیم؛ وضعیت سلامت استان، ما را در رتبه ۱۶ و ۱۷ در کشور قرار می‌دهد. به همین دلیل توسعه استان توسعه همگنی نیست.

وی عنوان کرد: این عدم توسعه یکنواخت استان تبعاتی را برای ما ایجاد کرده است. در پی عدم توسعه یکنواخت، سفر به مرکز استان برای کسب خدمات بیشتر می‌شود. این ترددها باری به جاده‌های ما می‌افزاید و خطر سوانح را در استان ما افزایش می دهد و این ناشی از توسعه ناهمگن استان است.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت: اگر کیفیت خدماتی که در استان و در شهرهایی مانند ایذه و دهدز ارایه می‌شود به همان کیفیتی که در اهواز ارایه می‌یابد، باشد، حجم بزرگی از ترددها به مرکز استان برای دریافت خدمات کاهش می‌یابد. بخشی از تصادفات استان، معلول ترددهای بیش از حد است و بدین ترتیب، شاخص‌های سلامت در استان را کاهش می‌دهد.



ایدنی اظهارداشت: در بعد دریافت خدمات سلامت هم همین مشکل را داریم، بیشتر خدمات تخصصی و فوق تخصصی با کیفیت بالا را در مرکز استان داریم. لذا فردی که در نقاط قرار دارد ناچار می‌شود به مرکز استان سفر کند. بار جاده‌ها، مصرف سوخت، آلودگی‌های هوا و عوامل دیگر به دنبال این مسئله ایجاد می‌شود و این به دلیل نبود توسعه همگن در استان است.

تبعات پراکندگی جمعیت و تنوع فرهنگی استان

وی افزود: نکته دیگر مهم در این زمینه، پراکندگی جمعیت در استان است. فاصله شهرها در خوزستان بالاست و این مساله، ترددها و خطر مسایل مربوط به آن را افزایش می‌دهد. مشکل دیگری که وجود دارد تنوع قومی و فرهنگی است، شاید تنوع قومی و فرهنگی در برخی زمینه‌ها فرصت به شمار آید ولی در بعد سلامت یک تهدید و نقطه ضعف است. در چنین شرایطی نمی‌توانیم در اعمال سیاست بهداشتی درمانی و مسایل فرهنگی، با یک زبان خاص با تمام مردم صحبت کنیم. این تنوع قومی و فرهنگی، باورهای بومی را ایجاد می‌کند و این باورها در برخورد با مسایل بهداشتی در ذهن مردم جای می‌گیرد.

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت: همان طور که در بحث توسعه و ثروت ناهمگنی وجود دارد، در مسایل فرهنگی نیز ناهمگنی وجود دارد و کسی که برای حل این مسایل تولیت دارد دچار چالش می‌شود. تنوع قومی و فرهنگی موجب شده که شیوه حل بسیاری از مشکلات بهداشتی و درمانی تغییر کند و این روند، بار زیادی به سیستم بهداشت و درمان وارد می‌کند.

امام جمعه اهواز گفت: برنامه‌های کنترل جمعیت باید اصلاح شود زیرا این برنامه به هیچ‌وجه به صلاح کشور نیست.

آیت‌الله سیدمحمدعلی موسوی جزایری در خطبه‌های نماز جمعه این هفته اهواز با ابراز ناخرسندی از کاهش موارد وقف به ویژه در استان خوزستان اظهار کرد: عموم مردم و البته افرادی که تمکن مالی دارند بخشی از اموال خود را برای رضای خدا وقف کنند تا ثواب آخرت و دنیا نصیبشان شود.

وی با اشاره به اهمیت این اقدام خداپسندانه و ارزشمند اضافه کرد: در این زمینه افراد غنی و بی‌نیاز الگو باشند تا در بین دیگر اقشار جامعه نیز این فرهنگ درونی و نهادینه شود.

امام جمعه اهواز به سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان امام خمینی(ره) اشاره کرد و از همه کسانی که نهضت سوادآموزی را یاری کردند تا بی‌سوادی از کشور ریشه‌کن شود تقدیر کرد.

وی در ادامه با اشاره به حماسه ۹ دی تصریح کرد: فتنه‌گران با حماسه‌آفرینی ملت و بصیرت و آگاهی بخشی مقام معظم رهبری برای همیشه به زباله‌دان تاریخ پیوسته‌اند اما امروز نیز باید هوشیار و فهیم باشیم تا چنین افرادی اجازه تکرار دوباره فتنه گری را به خود ندهند.



موسوی جزایری با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت افزایش جمعیت کشور اضافه کرد: کاهش رشد جمعیت کشور در سال‌های اخیر که از پیامدهای اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت است نگران‌کننده بوده است.

وی ادامه داد: باید این روند اشتباه اصلاح شود زیرا این برنامه به هیچ‌وجه به صلاح کشور نیست.

مهندس عباس حزبه پوران رئیس شورای اسلامی شهر کوت عبدالله :

عمران و آبادی کوت عبدالله تلاش ، دلسوزی و همدلی متولیان شهرستان و توجه ویژه و حمایت همه جانبه استاندار را می طلبد

در نشستی خبری رئیس شورای اسلامی شهر کوت عبدالله بخشی از مشکلات و چالشهایی که شهر کوت عبدالله و نیز شهرستان کارون با آن روبرو هستند را شرح داد.

در این نشست خبری که با حضور تعدادی از نمایندگان رسانه ها برگزار شد مهندس حزبه پوران رئیس شورای اسلامی شهر کوت عبدالله به تشریح معضلات، کمبودها ، نارسائی ها ، نابسامانی ها و مشکلات این شهر تازه تاسیس پرداختند.

مهندس حزبه پوران ضمن اشاره به تصویب نشدن کمیسیونهای پیشنهادی شورای شهر توسط فرماندار جناب آقای عباس دشتی نژاد گفت که از تاریخ ۲۴ شهریور تا کنون فرماندار محترم



شهرستان کارون این کمیسیونها را تصویب نکرده و دلیل آن را موادی از قانون دانسته که شهرهای تا صدهزار نفر، قادر به تشکیل فقط دو کمیسیون می باشند در حالکیه طبق ماده ۱۴ آئین نامه اجرائی تشکیلات انتخابات داخلی شوراها مصوبه ۱۱ / ۱ / ۷۸ هیئت وزیران، « شورا می تواند حسب نیاز با تشکیل کمیسیونهایی با شرکت اعضای خود موافقت کرده و تعداد آنها را افزایش یا کاهش دهد» و تبصره ذیل بند (ز) ماده ۳ دستور العمل وظایف، ترکیب ، تعداد و چگونگی اداره کمیسیون های شوراهای اسلامی مصوب شورای عالی استانها مورخ ۱۲ / ۱۰ / ۸۵ آمده است : « شورا می تواند بنا به ضرورت و متناسب با حجم برنامه ها و فعالیتهای خود کمیسیون های مورد نیاز و نیز کمیته های تخصصی را به عنوان زیر مجموعه کمیسیون ها تشکیل و فعال نماید» .

البته فرماندار بدون ارائه استدلال تصریح می دارد که کمیسیون ها را به یک حد معقول برسانید که این گفته ایشان غیر مستدل می باشد، البته شورا با توجه به نیازهای خویش و طبق ماده های فوق الذکر می تواند نسبت به تشکیل کمیسیونهای مورد نیاز خود اقدام کند که متاسفانه این مسأله تا کنون لا ینحل باقی مانده و عملاً کمیسیونها تصویب نشده اند .

رئیس شورای اسلامی شهر کوت عبدالله افزود : بخاطر سهل انگاری و بی توجهی متولیان امر (فرمانداری و بخشداری) ، شورای شهرستان کارون نیز تا کنون تشکیل نشده است در حالیکه طبق قانون باید تشکیل می شد ولی بخاطر پاره ای اختلاف نظر میان اعضای شورای بخش مرکزی تشکیل نشده است و فرماندار و بخشدار می باید از مدتی پیش به افراد متخلف مواد قانونی را گوشزد کرده و قانون را به اجرا درآورند لیکن این امر صورت نگرفت و به همین خاطر شورای شهرستان تشکیل نگردید و به تبع آن، معرفی یکی از اعضای این شورا، جهت راهیابی به شورای استان انجام نشد . لازم به ذکر است که فرد معرفی شده به شورای استان نماینده ومدافع حقوق کل شهرستان می باشد و با عدم حضور وی حقوق شهرستان پایمال می گردد و کرسی کارون در شورای استان که اولین جلسه آن روز پنج شنبه پنجم دیماه بدون حضور نماینده کارون برگزار شد خالی مانده است و این امر بدین معناست که نماینده این شهرستان از انتخابات هیئت رئیسه و نیز معرفی سه نفر از اعضا به شورای عالی استانها و دیگر پستهای شورای استان باز ماند و این امر مایه، تاسف است .

وی در ادامه سخنان خود محدوده شهرستان کارون را نامعلوم خواند و گفت که حدود اربعه این شهرستان تاکنون بصورت رسمی صورت نگرفته و هیچ محدوده ای به ما اعلام نشده است و در حال حاضر بصورت شفاهی حدود شمالی شهرستان را از جاده نمایشگاههای خودرو اعلام نموده که در این تقسیم بندی، شهرستان کارون ، شرکت صنایع فولاد، بنکداران، بازار آهن فروشان و قسمتی از کوی مهدیس که منابع درآمد خوبی می توانند برای شهرستان باشند را از دست میدهد که برای از دست ندادن آنها، توسط مسئولین سابق شهرداری منطقه پنج دفاع جانانه نشده است، حال آنکه بودجه های کلانی در آن ناحیه هزینه شده و تا کنون چرائی آن جای سوال دارد و با اینکار کوت عبدالله عملاً از منبع درآمد محروم می شود ، با جدا کردن کوت عبدالله از اهواز و عدم تخصیص منبع درآمد برای آن گویا فقط مشکلات اهواز را جدا کرده و فکری به حال عمران و آبادی شهرستان اندیشه نشده است .

مهندس حزبه پوران عنوان کرد که شورای شهر و شهرداری کوت عبدالله جهت عمران و آبادی شهر و تلاش برای محرومیت زدائی از چهره این شهر شهید پرور و ولایت مدار و رساندن آن به به جایگاهی در خور و شایسته و همسان با دیگر مناطق همجوار عزمی راسخ دارد که این امر به پیگری ، همت،تلاش ، همدلی و دلسوزی همه متولیان امر در شهرستان کارون علی الخصوص شورای شهر و شهرداری و نیز عنایت ، توجه ویژه و حمایت همه جانبه استاندار محترم و دیگر مسئولین ذیربط داردکه امیدواریم این امر هر چه زودتر محقق شود البته همانگونه که همه اطلاع دارند بسیاری از ادرات هنوز یا تشکیل نشده و یا فاقد امکانات اولیه هستند که می توان به اداره ثبت واداره آموزش و پرورش این شهرستان اشاره کرد که تا کنون بصورت رسمی تشکیل نشده

نگرانی اساسی مردم مشکل فاضلاب می باشد و در نبود فاضلاب ، جویهای روباز به طول حدود ۲۸۰ کیلومتر احداث گردیده که علاوه بر آسیبهای بهداشتی و شیوع انواع بیماریهای پوستی و عفونی، ایجاد صحنه ای ناهنجار و نامانوس بر چهره شهر و جذب حیوانات موذی و حشرات خطرناک، هزینه نگهداری و لایروبی هر دوره آن ۶۰ میلیون تومان می باشد

و بسیاری از مدارس فاقد امکانات اولیه می باشند و بعضی از دبیرستانها تا یمکاه بعد از آغاز سال تحصلی با کمبود معلم روبرو بودند که بسیاری از مردم نزد ما گلایه مند بودند.

ایشان عدم وجود شبکه فاضلاب ، وضعیت زیرساختهای شهری مانند آسفالت خیابانها ، عدم وجود پارک شهر، عدم وجود روشنائی مناسب برای معابر و خیابانها ، تکمیل جاده ساحلی، بازگشائی تمام ادارات، افتتاح شعبه بانک مسکن و کمبود مراکز بهداشتی در کویها و محلات شهر را از دغدغه های اساسی شهروندان دانست و افزود که این امر به بودجه کافی نیازمند است و بدون عنایت ویژه استاندار هیچ کدام از آنها محقق نخواهد شد .

وی در مورد معضل عدم وجود شبکه فاضلاب در منطقه خاطر نشان کرد که نگرانی اساسی مردم مشکل فاضلاب می باشد و در نبود فاضلاب ، جویهای روباز به طول حدود ۲۸۰ کیلومتر احداث گردیده که علاوه بر آسیبهای بهداشتی و شیوع انواع بیماریهای پوستی و عفونی، ایجاد صحنه ای ناهنجار و نامانوس بر چهره شهر و جذب حیوانات موذی و حشرات خطرناک، هزینه نگهداری و لایروبی هر دوره آن ۶۰ میلیون تومان می باشد که بر دوش شهرداری سنگینی می کند نا گفته نماند با توجه به فرسوده بودن شبکه قدیمی آب شرب در منطقه آب آلوده این جویها در شبکه نفوذ کرده و تاثیر منفی و زیانباری بر آب شبکه دارد و باعث الودگی هر چه بیشتر آب شرب اهالی می شود و خطرات بهداشتی جبران ناپذیری در پی دارد که با احداث شبکه فاضلاب که خواسته دیرینه و آرزوی همه اهالی و درخواست مکرر مراجعین است، این معضلات برطرف می شود.

رئیس شورای شهر کوت عبدالله در ادامه سخنان خود وجود شبکه روشنائی مناسب را ضروری دانست و گفت: در شهرکی مثل کوی شهید چمران (درویشیه) با جمعیتی بالغ بر بیش از ۲۵



هزار نفر فقط ۳۰ چراغ در خیابان مقاومت نصب شده که به علت عدم وجود کابل خود نگهدار و فتوسل اکثر چراغها سوخته و از بین رفته اند که امیدوارم با همت مسئولین ذیربط شاهد گسترش این شبکه و روشن شدن تمام معابر و خیابانها باشیم.

مهندس حزبه پوران در مورد جاده ساحلی که شاهرگ مهمی برای منطقه است و همچنین احداث پارک ساحلی که به علت کمبود پارکهای محله ای در مناطق مختلف شهر از اهمیت بالائی برخوردارست اعلام کرد که جهت تامین اعتبار با استانداری مکاتباتی شده که امیدواریم استانداری با تخصیص بودجه مناسب شاهد اجرای آن باشیم .



نشريه فرهنگی - تحليلی - خبری
صاحب امتياز و مدير مسئول: جميله كريمی حاتمی
سردبير: عبدالعباس كريمی حاتمی
صفحه آرا: ماهر دسومی
ليتوگرافی و چاپ: نور صبح
تلفكس: ٢٩٢٥٧١٠
تلفن: ٢٩٢٤٣٤٩
Email:joonobiha@yahoo.com
نشانی: اهواز- خ امام شرقی- نبش شهيد گندمی- پلاک ٧٩ طبقه ٢ واحد ٧

السبت ٧ دی ١٣٩٢ / ٢٤ صفر ١٤٣٥ / ٢٨ ديسمبر ٢٠١٣ / السنة السادسة / عدد ٥٤ - ٣٠٠ تومان

التشدد البيروقراطي

فؤاد عطية

البيروقراطية , لغويا, تتكون من كلمتين يونانيتين هي بيرو بمعنى المكتب و قراطية بمعنى السلطة، و بيروقراطية بالمجموع سلطة المكتب اوسلطة الادارة.

وتدل اليوم على كل العمليات الإدارية الموحدة والصارمة المتبعة في الدوائر والمؤسسات المختلفة من المدارس والمحاكم والمستشفيات والجيش و غيرها، التي تشكلت لتتجاوب مع تعقيدات العمل المؤسسي وأيضا بهدف المساواة في معاملة المراجعين لهذه الدوائر وتحييد العمل الاداري من أهواء وتوجهات العاملين فيه وتأطير عملهم وفق منهج عمل موحد يحدده مدراء تلك الدائرة.

طالما أتت البيروقراطية خدمة للمواطن يجب أن يكون هو المحور والركيزة الأساسية والمُراجع للدوائر ينبغى أن يعرف ويشعر أنّ البيروقراطية هي خدمة له وليس العكس، لكن الوضع في الاهواز مختلف ، ما يلاحظه تقريبا كل مُراجع للدوائر من التشدد في إلتزام بعض الموظفين الاداريين بالبيروقراطية تنفي جوهر ما ترنو إليه البيروقراطية ، وبالمقارنة مع المدن الاخرى، نجد أنّ بعض مسئولين الدوائر في مدينة الأهواز أكثر إفراطا في مراعاة شكليات البيروقراطية .

والسؤالالمطروح: هل هناك من أسباب مجتمعية وراء هذا التشدد...؟

من الواضح أنّ الخلفية المجتمعية والنفسية هي المحدد الرئيسي لكافة النشاطات الانسانية بما فيها العلاقات الإدارية بين المسؤول والمراجع، لذلك يمكن الربط بين عوامل مجتمعية وبين ظاهرة التشدد البيروقراطي في منطقتنا من جملتها :

١-نسبة البطالة المترفعة ، فإرتفاع نسبة البطالة وصعوبة التوظيف والشروط التعجيزية للعمل و الفقر المدقع الذي يعيشه طالب العمل يجعل من إيجاد وظيفة حلم صعب المنال ، بالتالي الذي يعيش في هذه الظروف في حال التوظيف يقول لنفسه يجب علي أن أتمسك بالعمل بأي طريقة كانت فيَرى بالإلتزام التام بالبيروقراطية وسيلة لإثبات جدارته أمام المسؤول لأنّ الأولوية بالنسبة له هي البقاء في العمل بدل خدمة المواطن.

٢-تفاديا للنظرة الدونية ونوع من ردة فعل على الفوضى،العوز والفقر و الفوارق الطبقية يمثل واقع مجتمعنا الأهوازي اليوم فالذي ينظر إلى مدينة الأهواز مثلا يتضح له أنّ غالبية سكان هذه المدينة تعيش في الأحياء الهامشية ذات الكثافة السكانية والتي تدمج ثقافة الريف والمدينة حيث الأزقّة الضّيقة والشوارع المتّسخة والفوضى العارمة إبتداءاً من الأسواق والسيارات إلى الأمن المفقود وإنتهاءاً بالعشائرية التي نسمع عن أخبار العراك القبلي دائما.بالإضافة إلى ما ذكر آنفا عن نسبة البطالة العالية حيث تعج الشوارع بالشباب العاطل عن العمل...

الحياة في هذه الظروف تسبب حالة من الاحباط والشعور بالنقص والدونية وفقدان الثقة بالقدرات الذاتية عند الفرد، ما يجعله يبحث عن ما يموه هذا الشعور ، فإذا أصبح موظفا او مسئولا ما مثلا، يكون التشدد و الإفراط بتطبيق الأصول البيروقراطية أمام المراجعين إحده وسائله للهروب من النظرة الدونية إليه كما يعتقد و ردة فعل على ما عاشه من بيئة فوضوية، كأنما يريد التأكيد على أنّه إنسان منضبط وملتزم بألقوانين ،من هذا المنظار ممكن نفهم سوء معاملة بعض الموظفين وتشددهم في تطبيق بيروقراطية عقيمة، إنّ التشدد المؤسساتي أو الإداري يدل على خلل وظيفي يكمن في عدم التطابق مع واقع مجتمعي غير مهيئ للعقلنة(١) التي تمثل البيروقراطية الركن الاساسي فيها، و هي من العوامل التي ممكن أن تقف عائقا في إخضاع البيروقراطية لخدمة المواطن ،لذا معالجته تتطلب دراسة دقيقة حول اسباب تخلف المجتمع الاهوازي عن العقلنة التي هي سمة المجتمعات الحديثة.

١-العقلنة هي تنظيم الامور والاعمال على نحو تتحقق معها اهدافها باقصى قدر من الكفاءة و في اقل مدة زمنية ممكنة وهي ما تميز المجتمعات الحديثة عن التقليدية

مقال العدد

الإنترنت

علی عبدالحسين

للحضارةِ الغربية ثلاث مزايا كبيرة تترك تأثيراتٍ هائلة على حياة الإنسانِ بحيث لا يستطيع أن ينكرها وهن الديمقراطية والصناعات والانترنت...وقد يكون أدق وصف وأرحب في نفس الوقتِ ، وصف هذه الحضارة بالعلمية..فكل اِفرازاتها الايجابية الكبيرة هي فرع من فروع العلم المنتوج من لدنها..

وأما ما نُريد الاشارةَ اليه في هذه المساحةِ الوجيزة هو الانترنت الذي بدأ قبل عقودٍ قصيرة وخلال هذه الفترة القليلة توسع الى حدودٍ عسيرة على العد والاحصاء فصار يُكوِّن عالماً مجازياً كبيراً الى جانبِ عالمنا الذي نعيش فيه عبر اجسادنا...

ولمَّا نمعن النظر في هذا الرأي، ليس لنا غير الاستغراب والدهشة..فلا يكون من السهل خلق عالم يستطيع أن يوازي عالمنا وينافسه بالحضور الانساني والتواصل والتفكير والتسلي والعلم والتجارة...الخ. ومن المسلمات أن العقل الغربي الذي أثبتَ قدرته على الابداع والديمومة المتفوقة سيكون بإمكانه أن يُطور الانترنت الى ما لا نستطيع تخيله في السنواتِ المُقبلة...

وأما نَحن والانترنت..فبما أننا شعبٌ من شعوب الارض المستهلكة فلا نتطرق الى الانترنت الا من خلال هذه الكلمة ...أي كيف نستهلك الانترنت..أو كيف نَدخل هذا العالم الغربي الجديد...؟ لا يفوتني أن أُلمّح الى بديهة و هي أن الانترنت هو عالم الروح والغياب واللاجسدية.. وهذا ما يجعل المرء أن يدخل في فضاءاتٍ رحبةٍ وعلى الرغم من مشاكل واقعية يواجهها فأنه سيجد الحرية ولو نسبيةً...

اذن الحرية التي لا يُعادلها شئٌ بالقيمة هي مما يقدمه الانترنت لمستخدميه. وخاصة نحن كشعبٍ لا تُعد لغته لغة رسمية..سوف يجد المواطن فضاءاً اِجتماعياً مسموحاً له بالاستفادة من لغته...فيحصل عنده تعويضٌ كبير عن الواقع. كذلك يلقى حرياتٍ عدة منها أنه يتصل بالجنس الآخر ليتعرف عليه ويمتح من المشاعر الممنوعة على أرض الواقع...وحرية أُخرى هي سيكون باِمكانه أن يحصل على المعلومة التي لا تتوفر لديه واقعاً...

وبالنتيجة أن للإنترنت فوائدة جمة ثقافية وسياسية واجتماعية واقتصادية...لكن في نفس الوقت أنه يحمله بطياته آفاتٍ يمكن أن تضربالفرد و الجمع سوية. لهذا الإلتزام بالإخلاق والضمير والقواعد الايمانية والانسانية، يستطيع أن يحوول دون الأضرار الناجمة عن هذا العالم الجديد علينا. أنه لَعالمٌ عظيمٌ واِذا ما استطعنا الانتفاع به ومنه سنكسب قضايا واموراً هامة في حياتنا، أُولاهن العلم ثم الثقافة...الخ.

ومن المؤكدات عندي أن أهم مكسبٍ لنا من الانترنت هو الإحياء الثقافي. فصار مَا مُنعنا عنه، بين أيدينا. اليوم أي مواطن يستطيع أن يفتح مدونة او حساباً ويشرع بالتعبير عن الذات مما يؤدي الى نمو العُود للغة الضاد المقدسة عندنا كالغةِ دين وهوية. ويُخال لي أننا بنينا صرحاً لأدبنا وثقافتنا بمزاولة هذا العالم مع الالتزام بالاخلاقيات وقبول المسؤولية تجاه الذات والآخر حتى نُثبتُ جدارتنا كشعبٍ قابلٍ للحياة ومؤهل لخوض غمار البناء الحضاري الانساني في ظل حضارة متقدمة تفسح المجال لكل اِنسان على المعمورة ليُكرس حضوره ككائن حي يقدس الحياة ..

زيغورات ... أثر عالمی و لكن منسي

احمد جعفرى

كانت الحضارات الكبيرة تتكوّن على ضفاف الأنهر و لهذا يجب أن نميّز خوزستان من غيرها و بالأخص لتاريخها العريق، ففى منطقة بين النهرين التي تسمّى الآن بـ" العراق " تجري فيها نهرى الدجلة والفرات فقط . ولكن في خوزستان الذى برأينا هو المكان الرئيسى من خارطة بين النهرين، و هو الذي تجري فيه أنهر عدة و عملاقة مثل كارون، الكرخه، الدّز،شط العرب،الجراحى و حتى الصغيرة منها مثل شاوور،سيمرة،مارون و الأخرى ... كما نشاهد إن أنهر عديدة تجرى فى هذا المكان فليس من الغريب أن نرى هذة المنطقة

مليئة بالتلال التاريخيه والقديمة التى تصل قدمتها في بعض المناطق الى ٤ آلاف سنة و في بعضها قد تتعلق بحضارة الـ "٣٥٠٠ سنة" العيلامية في مر العصور و الأزمان .

البورفوسور " هينس " يعتقد بأن شوش، هى مركز العيلاميين التى يُعرفها مركز التجارة مع العراق آنذاك و كما سمّاها هو " بين النهرين ." كان شوش قبل التاريخ أي في حدود أواخر قرن الخامس قبل الميلاد مركزا للتجارة و الاقتصاد في سهل خوزستان و في حقبة العيلاميون القدامى و الوسطى و الجديدة أيضا كان يتمتع بمكانة خاصة لدى العيلاميون في ذلک الزمان .

كما أنوه الى هذا الموضوع أن الحضارة العيلامية لم تتحدّد بمحافظة خوزستان فحسب بل كانت تمتد للقرب من كرمان و المدينة المحروقة في زابل التى تسمّى الأن بـ" شهر سوخته ." و أشير إلى أن هذة الحضارة كانت كبيرة و قوية في نفس الوقت،فإن المخطوطات اليدوية العيلامية التي كُشفت في تلك المدن تظهر صحة هذا الكلام و تؤكد وجود هذة الحضارة هناك في مر عصور ما قبل التاريخ.

إحدى الأسباب الذا أهمية التي على التوالى البشر تواجدوا هنا هي خصب سهول



خوزستان كما أنهم حصلوا فيها على رموز الزراعة . بتعبير آخر قبل ١٠ آلاف سنه، حضارات مختلفه و بدون توقف، واحده تلو إخرى إستقرت في خوزستان و تركتآثارها للتذكر هنا. كيفيه الري و تحديثها في ذالک الزمان أي في عصور قبل التاريخ، هي نموذج بارز من التطور عند هذة الأقوام في عمليات الأراضى. كما أشير الى مقال للكاتبة والصحفية المتألقة "مرجان حاجى رحيمى " فى إحدى الصحف في طهران، والذى يلى فيه؛ تلّ تاريخيا واحداً في خوزستان، كان سببا لتعريف هذة المحافظة للعالم وتسجيلها في قائمه آثار العالم. فكيف اذا كشفنا عن كل التلال المدفونة ، فكم من سائح سوف يأتى اليها ليشاهد أقدم حضارة مازالت باقية بعد ٣٠٠٠ سنة . في عقد ٢٠ من القرن الميلادى المنصرم ، حين كان البريطانيون يتواجدون بكثافة في هذة المنطقة، انتبة طيار نيوزلندى من طائرتة الى تلّ غير إعتيادي يشبه التلال الأثرية . فنقل القصة لـ "دمنكم " خليفه " جاک دمورغان " (قائد فريق الحفريات الأثرية في شوش). فقام الأخير بحفريات و دراسات بسيطة و محددّة في " زيغورات " وعرف من النقوش المكتوبة على طابوق الأثر أن هذا التل التاريخي في الحقيقة هو معبد " اونتاش نابيريس " أعظم حاكم في حضارة عيلام، و لكن لم يجد الفرصة الكافية للبحث فرجع الى الشوش. بعد سنين عديدة أى فى أواخر عقد العشرين الشمسي و عندما كان عالم الآثار الفرنسى "رومن غيرشمن" يمرُّ من موقع " زيغورات " ، إنتبه إلى تل أثري أصبح تل من التراب.فقرّر بقيام حفريات ليكشف لغز هذا التل و بعد إحدى عشر سنة من التنقيب و الدراسة ، استطاع أن يخرج أكبر معبد للعيلاميين المعروف بـ " زيغورات" من تحت التراب .

سُجّلت "دوراونتاش" في سنة ١٣٥٧ الشمسية في قائمة الآثار العالمية في اليونسكو مع آثار ايرانية أخرى مثل "تخت جمشيد" و "ميدان نقش جهان" .فبأثر واحد أصبحت خوزستان مهد الحضارات العظيمة فكيف إذا نقّبنا عن باقي التلال الأثرية ؟ و مع كل الأسف ضاعت الكثير من الآثار في عمليات إحداث السدود و الطرق و إنشاء العقارات و حتى تسطيح الأراضى الزراعية و أصبحت القطع الأثرية في قبضة المهرّبين .

مع كل الأسف لا نرى في طريق هذا الأثر العالمي لافتة و أي شئ لمعرفة الطريق أو شئ توجد علية توضيحات عند المسير للسائحين الأجانب الذين تحمّلوا عناء السفر لزيارة آثارنا الخالدة..

السمك و الجراد(قصة قصيرة)

*حسين طرفي عليوي

السمكة الأولى: أنا زهقت، ما جدوى حياتنا هنا، سأذهب لاصطياد الجراد. السمكة الثانية طفقت قائلة بإعجاب: الجراد؟!

السمكة الأولى: نعم الجراد، ألم تسمعي من الأهل بأن الجراد يتواجد قرب الشاطئ وقت الظهيرة حين تسطع الشمس بقوة.

السمكة الثانية: لكن.

السمكة الأولى: لكن ماذا؟ كوني واثقة بأننا سننجح، رافقيني فحسب وسنصطاد من الجراد بما يكفي.

السمكة الثانية: لكن، كيف بوسعنا أن نجتاز حفرة الموت وأنت تعلمين بأنها ممتلئة بالأسماك الشرسة.

السمكة الأولى: لا تخافي سوف نعبر عن طريق الأعشاب ونتوارى الطحالب فلن تتمكّن الأسماك من مشاهدتنا.

السمكة الثانية: أنا لم آت معك، لأن القروش تمرّ من هناك ولم أجدها فكرة جيدة بأننا نورّط نفسينا بالتهلكة.

السمكة الأولى: تريدين مني أن أقف هنا حتى تأتي الجراد بنفسها إلى هذه الأعماق وسط هذا الظلام؟

السمكة الثاني: أنا سمعت من إحدى السمكات تؤكّد بأن والدها قد حصل على جرادة ميتة وقسّمها على العائلة وتقول بأنها كانت لذيذة جداَ. السمكة الأولى: أنا لم أعد أطيق أكثر من هذا، الجراد لم يأت إلى هذه الأعماق، نحن من يقود الجراد إلى هنا، ولا تنسي بأن لذة الصيد وهو حي يضاهي الميت بكثير، أنا ذاهبة.

السمكة الثانية: أرجوك لاترحلي، أنت الصديقة الوحيدة لدي، فلا أودّ أن تصابي بمكروه. السمكة الأولى: اطمئني سأعود بسلام.

بعد أن ودّعت صديقتها، سارت عائمة بحذر نحو الشاطئ، كانت تعوم وقد تركت الخوف وراءها، كم كان محزناً أن تعيش السمكة بفزع في حفرة مظلمة، خائفة من القروش والأسماك الفتاكة. الأن ما عاد شيء تخاف منه وهي في وسط الخطر. وكأنّ من يدخل جوف الخوف لم يعد يفكر به، بل بغلبته فحسب. لكنها لاتزال تعوم بريبة وحذر شديدين إلى أن اقتربت من حفرة الموت، فوجدت مجموعة كبيرة من الأسماك الضخمة تعوم هناك ومن الصعب اجتياز هذه الحفرة الوسيعة، ولربما يشبه المستحيل، أخذت تفكر وهي متأرجحة بين العدول عن قرارها أو متابعة مسيرها، إلى أن شاهدت قرشاَ آتيا من خلفها يعوم بسرعة، ففي الحال فكرت بأنها تشقّ طريقها مع القرش مجتازة الحفرة، توقّفت قليلاَ ليتقرّب القرش وتكون المسافة مناسبة، ثم أطلقت زعانفها للماء، بسرعة البرق، صوب الأسماك وهي تشاهدها كيف تفتح لها المجال وتهرع فزعة من القرش، لكنّها بحاجة إلى سرعة أكبر لكيلا يصل إليها القرش، فراحت تعوم بأقصى سرعة وهي تمرّ من خلل الأعشاب عابرة أخاديد الصخور الصغيرة وطيّاتها بحركة راقصة ومبتعدة من الأسماك الشرسة.

خفّفت من سرعتها وهي مرهقة إلى أبعد الحدود، التفتت ورأت القرش منهمكاَ بالتهام واحدة من تلك الأسماك الفتاكة.

تنفسّت الصعداء واستمرّت بالعوم وقد اعترتها سعادة لا حدّ لها، إلى أن شاهدت الضوء من بعيد، فراحت تعوم بحرية، وكأنها نسيت من أجل أي شيء آتية، فكانت سعيدة بانطلاقها سيما وهي تجد نفسها مقبلة نحو الضوء. تقرّبت أكثر ورأت هواجر الشمس كيف تسطع بخيوطها فتلوّن الأعشاب والطحالب بأصباغ كستنائية ساحرة، وقد امتلئت عيناها بألوان زاهية لتزهو وتحسّ كأنها أمست أجمل من السابق بل اعتراها شعور أنها في عالم آخر، عالم غريب ومذهل لا يقاس أبدا مع عالمها المعتم الممتلئ بالكآبة والحزن والسكون.

رفعت رأسها وشاهدت من خلال الماء مجموعة من الحشرات تطير كهلام ملائكي زاه، ثمة حشرات كانت تقفز حافة الماء ولونها يختلف، فدنت إلى صفحة الماء وعرفت الجراد بلونه الرمادي ورائحته الزكية التي تسيّج المياه، راحت تترصّده، لكنّ الجراد لم يقترب إلى الماء كثيراَ، وكأنه لا يعرف العوم، فقالت في قرارة نفسها: إذن كيف وصفه الأهل وقالوا بأنهم اصطادوا الكثير والتهموا منه. حين كانت الأفكار تراودها رأت جرادة تقفز نحو الماء، فما إن أرادت اصطيادها حتى عادت الجرادة مسرعة نحو حافة الماء، فعلمت بأن الجراد بوسعه أن يأتي الماء، فسعدت ولم يفارقها الأمل، وشاهدت الكثير من الجراد يقفز في الماء، لكنها في كل محاولة كانت تفشل فلم تلحق بها، إلى ان غيّرت استراتيجيتها وفكّرت أنها تتراجع إلى الوراء وتصطاد الجرادة قبل أن تلامس الماء.

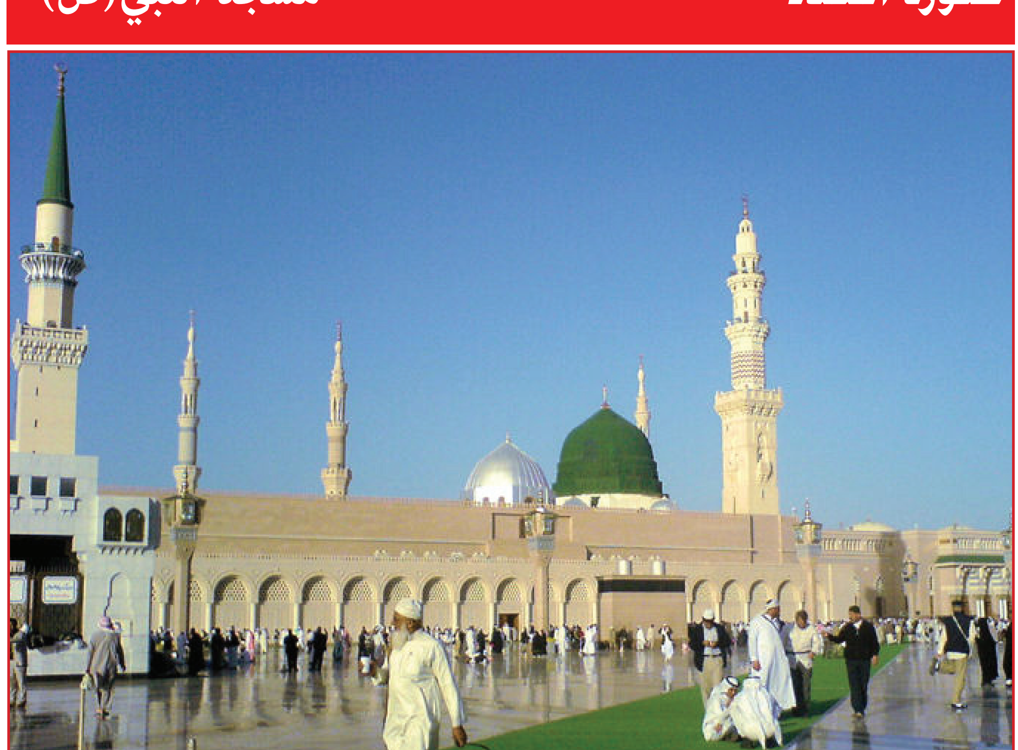
عادت إلى الخلف وشاهدت جرادة تقفز وهي ساقطة في الماء، ملتمعة أجنحتها بأضواء الشمس الملوّنة، فعامت السمكة بأقصى سرعة، وشقّت صفحة الماء منطلقة في الهواء الطلق وماسكة الجرادة بفمها.

كانت شهية جداَ ولو أنها كانت صغيرة. كررّت خطتها واستطاعت أن تصيد بجراد أكبر غير مصدّقة، ومغتسلة بسرور لا نهاية له.

السمكة الثانية كانت كئيبة لدرجة لا توصف، كم لامت نفسها لماذا لم تصرّ على صديقتها أكثر لتبقى، وظنّت أنها الآن في بطون الأسماك. أخذ الحزن يفتك بها إلى أن شاهدت شيئاَ يتقرّب ببطء نحوها. قالت مع نفسها: يا للعجب! إنها جرادة ممتلئة، و رمادية اللون، مثلما وصفتها الأسماك. ما كانت تحلم بأن ترى جرادة بامتلاء ما تشاهدها الآن، اقتربت إليها فكانت رائحتها شهية، كم أحبّت أن تكون صديقتها الآن هنا وترى بأن الحق كان معها، فالتهمت الجرادة بقضمة واحدة، وإذا بالصنّارة تسحبها بشراسة.

صورة العدد

مسجد النبي(ص)



نتقدم اليكم بأسمى آيات المواساة و العزاء بمناسبة ذكرى وفاة الرسول الكريم (صلي الله عليه و آله و سلم) و استشهاد سبطه الإمام الحسن(ع) و حفيده الإمام الرضا (ع)

استان در هفته ای که گذشت

محصولات سالم خوزستان به کدام کشورها صادر می‌شوند؟

رییس انجمن تولیدکنندگان محصول سالم خوزستان گفت: در حال حاضر انواع سبزیجات سالم استان به کشورهای لهستان، تاجیکستان، روسیه، ازبکستان و حاشیه خلیج‌فارس صادر می‌شود.
امسال کیفیت تولید محصولات سالم خیلی خوب بود اما متاسفانه مشکلات عرضه، موجب نوسان قیمت این محصولات می‌شود.
وی افزود: متاسفانه گمرکات همکاری خوبی در زمینه حمل و نقل محصولات سالم ندارد. از آن جایی که زمان دوام میوه و تره‌بار خیلی کم است، معطل شدن ماشین‌های حمل و نقل این محصولات در گمرکات کیفیت محصولات را کاهش می‌دهد.
وی بیان‌کرد: از سوی دیگر افزایش هزینه‌های جانبی برداشت محصولات و نوسانات نرخ ارز نیز در قیمت تمام شده محصولات سالم تاثیرگذار بوده است.
سلامتی خاطرنشان‌کرد: دمای زیر صفر درجه موجب سرمازدگی محصولات شده است.
وی تصریح‌کرد: امسال بیش از ۶ هزار هکتار به‌طور مستقیم و ۵ هزار هکتار به‌طور غیرمستقیم زیر کشت محصولات سالم رفته است. برداشت سبزیجات تا پایان اسفند و مرکبات نیز تا فروردین‌ماه ادامه دارد.

امام جمعه آبادان: نخل‌های خشکیده این استان را که بر اثر کم آبی از بین رفته‌اند.

ابراهیمی‌پور گفت: حیف است مردم آبادان از آب شرب مناسب برخوردار نباشند و هنوز با مشکل فاضلاب دست و پنجه نرم کنند.
و با بیان اینکه زیرساخت‌های آبادان و خرمشهر به هم ریخته است اظهار کرد: مشکلات بیکاری در این دو شهر بسیار وجود دارد و مردم از شما به‌عنوان رئیس مجلس انتظار دارند که حق شهرهای آبادان و خرمشهر را ادا کنند.
وی بیان کرد: مردم انتظار دارند رئیس مجلس با نفوذ کلامی که دارد به آبادان توجه ویژه‌ای کند تا هر چه زودتر شاهد تحول در این شهر و البته تمام استان خوزستان باشیم.

فرماندار و نمایندگان آبادان خواستار حمایت لاریجانی از عدم انتقال آب کارون شدند

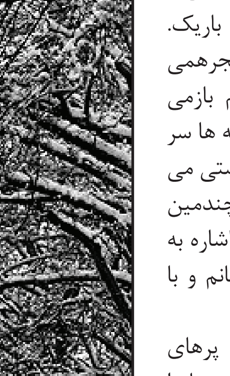
علی لاریجانی رئیس مجلس از سواحل اروند رود بازدید کرد که طی این بازدید فرماندار و نمایندگان مردم آبادان در مجلس خواستار حمایت هر چه بیشتر لاریجانی از بحث عدم انتقال آب سرشاخه‌های کارون شدند.
مسئولان آبادانی عنوان کردند که بحث انتقال آب کارون به حیات منطقه بسته است و در این زمینه خواستار مساعدت و حمایت بیشتری شدند.
در این بازدید در خصوص بحث امنیتی و لایروبی اروند نیز مباحثی مطرح شد.
آیت الله حیدری:موضع نمایندگان خوزستان در دفاع از حقوق مردم این استان مورد تایید است

آیت الله محسن حیدری:
این موضع نمایندگان مجلس در راستای مطالبات مردم خوزستان بوده و باید پیگیری شود.

آیت الله محسن حیدری گفت : اقدام نمایندگان خوزستان در دفاع از حقوق مردم خوزستان چه در زمینه آب و سایر مسائل موضع قابل قبولی است.
امام جمعه موقت اهواز همچنین از اقدام نمایندگان خوزستان (استعفای آنان) در مجلس شورای اسلامی تشکر کرد.
نمایندگان مردم خوزستان در مجلس شورای اسلامی چندی پیش در اعتراض به کاهش سهم اعتبارات این استان در بودجه سال ۱۳۹۳ استعفای خود را تقدیم هیات رییسه مجلس شورای اسلامی کردند.
به گفته نمایندگان خوزستان در مجلس شورای اسلامی انتقال آب از سرشاخه های کارون و مشکل آلودگی هوا از جمله مشکلات جدی استان خوزستان می باشند که دولت باید به طور ویژه به آنها توجه کند اما در بودجه سال ۱۳۹۳ اعتبار ویژه ای در این خصوص در نظر گرفته

شب یلدا و غم مادر بزرگ

نادیا پور صدامی



آسمان پر ابر و خاکستری.کوچه ها تنگ و باریک. گربه ای تن می لرزاند.پیرزنی مرا کنار پنجرهمی بیند. لبخند،صورت رنگ پریده اش راازهم بازمی کند. دستی تکان می دهم. به اتاق خواب بچه ها سر می زنم. دو قلوهای به خواب رفته ی ناز! فرصتی می بینم برای خرید شب یلدا.همسرم را برای چندمین بار صدا میزنم، نیمه باز چشمی می گشاید، اشاره به رفتن میکنم.آرام کلید را در قفل می چرخانم و با احتیاط گام برمیدارم.
وسط کوچه می ایستم. دست ها را مثل پرهای پروانه بازمیکنم، سرم را بالا می گیرم، چشم ها را می بندم تا لمس کنم دانه های ریز باران را. لیست خرید مادربزرگ خیس می شود، اما به یاد دارم چه می خواهد؛ روشنایی، گرمی، صمیمیت، محبت.
کاش ساعت همسرمرا کوک میکردم، که به خواب سنگین نرود. اما نه میداند، تولد خورشید است. مادر بزرگ میگوید:«شکست تاریکیست.» تا سپیده دم از خاطراتش با پدربزرگ میگوید.یلدا شبی سرد و طولانی، اما کاملا بی درد است.
دوان دوان به سمتایستگاه اتوبوس میروم. پسرک جوان با لباس کهنه نخی، دست بر سبیل های خاکستری می کشد و با نگاه های زیرچشمی، به سمتم می آید. کیفم را در بغل میگیرم، صدایم میزند ،می ایستم با عرق سردی که بر پیشانی ست... کف دستهایش را جلوی صورتم می گیرد: «این لیف ها را خواهرم با هر رنگی که بخواهید بافته،خریدار هستین؟» دستمال مچاله شده را بر پیشانی ام می کشم،دو لیف میخرم.
نیمکتِ ایستگاه پر از مسافر.انگار لبخند با همه ی آنها قهر است! چهره ی جدی هر کدام،جرات سلام کردن را گرفت. کنارشان می نشینم.زل می زنم به دختر بچه ای که گیس هایش را به شکل خرگوشی بسته است. اما در نظرش،تمام دغدغه ها ی دنیای بزرگ کوچک این است، مبادا آب نباتش تمام شود. مادر، چادر سیاهش را بازمیکند، او را در آغوش می گیرد؛ بوسه ای بر گونه هایش می زند و قول خرید آب نبات میدهد.
اتوبوساز راهمیرسد.سوار می شوم. کنار زنی لاغراندام و خونسرد می نشینم. کیسه ی اناری در دست دارد؛ انارهایی که از غصه ی برهنگی درختان ترکیده اند.از پنجره، به جدول های کاشته شده ی کنار اتوبانگاه میکنم. زن، پنجره را با پرده ی ضخیم طوسی رنگ می پوشاند. کیسه را زمین می گذارد. شاید که او هم ترک خورده است .سرش را به شیشه تکیه می دهد. کنار بازارچه پیاده می شوم .هندوانه ی سبز راه راه، آجیل شب یلدا، چَک و چونه و قسم وآیات. گرونی، خوراکِ این شبهاست. مادربزرگ می گفت: «همه ی دون انارها رو بخورید، تا دانه ی بهشتی رو از دست ندهید.» شاید که می خواست حیف و میل نشود. میوه های بهشتی میخرم. به شرط چاقوهم هندونه ای قرمز و شیرین.
خریدهایم تمام می شود. به خانه بازمیگردم. حافظ را هم امشب به محفل می نشانم تا فاش کند فال دل ما را. چه بهانه ی خوشی دارم، جمع می شویم امشب، همه زیر سقف خانه ی مادر بزرگ.
گوشی همسرم به صدادرمی آید. با ناله ی لولای در، چهره اش رنگ پریده می شود. با دو دست، دهان نیمه بازش را می پوشاند.می گوید: «مادر بزرگ منتظرست. برویم؟»
مانتویم را می پوشم.غرش رعدبه گوشم می رسد. به مقصد می رسم. درهای عقب آمبولانس باز است... هنوز لبخند بر گوشه ی لبش دیده می شود.

ضرب المثل

فیصل بنی طی

***انا الفریق فما خوفي من البلل**

آب که ازسرگذشت چه یک وجب،چه صد وجب.

***هذا الفرس وهذا المیدان**

این گوی واین میدان.

***ما لا یدك کلّه لاتیرك کلّه**

آب دریا رااگرنتوان کشید،هم به قدرتشنگی بایدچشید.

***ایّن الکلام قیدالقلوب**

زبان خوش،ماررا ازسوراخ بیرون می آورد.

***الموت حوض مورود**

مرگ شتری است که درخانۀ همه می خوابد.

***انّ الجیب الی الاخوان ذوالمال**

تاپول داری،رفقیقتم،عاشق بند کیفتم.

***لایعرف الّهومن البرّ**

هرازبرتشخیص نمی دهد.

*** ترك الجواب علي الجاهل جواب**

جواب ابلهان خاموشی است.

*** شعاع الشمس لایخفي ونورالحّق لایطفي**

آفتاب همیشه پشت ابرنمی ماند.

***واحدکالالف**

مشت نمونۀ خرواراست.

***ایاك وان یضوب لسانك عنقك**

زبان سرخسربزمی دهد برباد.

بخشی از تاریخ حمیدیه ونگاهی گذرا به برخی از آثار تاریخی آن

* احمد جعفری

به دلیل عبور رودخانه ی بزرگ کرخه از میانه های شهرستان حمیدیه بر اهمیت استراتژی آن در طول تاریخ وسالیان دراز تاثیر داشته است. در زمان جنگ تحمیلی شهر حمیدیه نیز به دلیل موقیعیت جغرافیایی که داشت و دشمن هم نیز از اهمیت آن باخبر شده بود وهمچنین نزدیکی آن به اهواز- مهمترین دروازه ی ورود سربازان عراق به مرکز استان خوزستان یعنی اهواز شناخته شد و این طور بود که اهمیت شهر حمیدیه دوچندان شد. به دنبال شعله ور شدن آتش جنگ جهانی اول، در اوائل آگوست ۱۹۱۴ م بین متفقین از یک طرف، ومتحدین از طرف دیگر، نیروهای نظامی انگلیس در نوامبر همان سال، به فرماندهی دلامین، از طریق خلیج فارس به شهر آبادان رسیده و آن را اشغال نمودند.
به دلیل شرایط سیاسی آن موقع هیچ مقاومتی از سوی دولت وقت در برابر تجاوز دشمنان صورت نگرفت و این در حالی که دولت مرکزی ایران اعلام بی طرفی کرده بود، باز مورد تهاجم قرار گرفت. با این حال موضع دولت مرکزی ایران، در عهد احمد شاه قاجار، در مقابل اشغال خوزستان غیر از سکوت و بی تفاوتی چیز دیگری نبود.
تنها مقاومتی که در برابر متجاوزین انگلیس صورت گرفت، مقاومت اسلامی جهاد عشایر عرب خوزستانی بود. آنان وقتی فتوای مرجع وقت، صاحب عروه را شنیدند، با راهنمایی روحانیت و فرماندهی سران عشایر، آن ندا را لبیک گفتند، وحماسه های جاودانه ای را آفریدند.
به دلیل اهمیت دفاع مقدس مردمی که پیوند عمیقی با مرجعیت دینی در سال ۱۲۹۳ش و نیز در هشت سال دفاع مقدس داشت به دستور رهبر معظم انقلاب در حمیدیه «یادمان شهدای جهاد عشایرعرب» در جوار قبور شهدای این منطقه احداث شده است.
اولین شکست رژیم بعثی برای اولین بار در حمیدیه
منطقه عملیاتی شهید علی غیور اصلی حمیدیه
حمیدیه به علت قرار گرفتن در محور اهواز -سوسنگرد یکی از مناطق مهم و حساس جنگ و دروازه ی ورود به مرکز استان به شمار می آید. و دشمن اهمیت این شهر را متوجه شده بود و به همین علت با عبور از محور چزابه - بستان -سوسنگرد، در روز ۵۹/۷/۷ نیروهای تیپ ۴۳ لشکر ۹ ارتش عراق که با نصب پل از کرخه کور عبور کرده بودند. ضمن اجرای آتش شدید روی حمیدیه و فولی آباد، به سمت جاده حمیدیه - سوسنگرد پیش رفته، و با تیپ ۳۵ که به نزدیکی حمیدیه رسیده بود الحاق کردند و خود را به روستای «کوت سید نعیم» در ۵ کیلومتری حمیدیه رسانیدند.
از آنجا که سقوط حمیدیه دروازه ی ورود دشمن به اهواز تلقی می شد، اهمیت دفاع از سقوط شهر حمیدیه به دست نیروهای بعثی را دوچندان کرد.
با نزدیک شدن دشمن به حمیدیه و در پی فرمایش امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «مگر جوانان اهواز مرده اند؟!» یک گروه ۲۸ نفره از رزمندگان سپاه به فرماندهی شهید علی غیور اصلی با همیاری نیروهای مردمی شهر حمیدیه برای جلوگیری از پیشروی یگان های زرهی وپیاده عراق به این منطقه عملیاتی را آغاز کردند. در این میان تعدادی از کشاورزان منطقه با غرق آب کردن زمین های کشاورزی خود، تعدادی از تانک های دشمن را به گل نشاندند ونیروهای دشمن را مجبور ساختند تنها از طریق محور جاده ی حمیدیه - سوسنگرد حرکت کنند و این اقدام باعث شد تا هدف قرار دادن دشمن از سوی رزمندگان راحت تر شود.
ارتش عراق با دادن تلفات و به جا گذاشتن تعدادی از تانک های خود در گل ولای زمین های کشاورزی، تا غرب سوسنگرد عقب نشینی کرد.این اولین عملیاتی بود که پیشروی دشمن به سمت اهواز شکست می خورد.
حد نهایی تجاوز عراق به خاک ایران در ۲ کیلومتری جنوب غربی حمیدیه وتا روستای شبیشه بود وبه همین مناسبت یادمان شهدای حمیدیه که یاد آور حد نهایی پیشروی ارتش عراق و حماسه رزمندگان اسلام در این منطقه است به صورت یک ستون و یک تانک در این منطقه خود نمایی می کند.
حمیدیه نیز در دوران قاجاری مورد توجه قرار گرفته بود و بدلیل وفور آب وحاصلخیزی زمین های کشاورزی، باغ هایی از مرکبات، انواع گل و غیره بوده.کاخ حمیدیه در آن زمان در شهر حمیدیه بنا گردید و این شهر از لحاظ سیاسی هم اهمیت پیدا کرد و در حمیدیه نیز بسیاری از حوادث تاریخی شکل گرفت. این اثر تاریخی هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ موقعیت آن در کنار رودخانه کرخه، که دومین رودخانه بزرگ کشور به حساب می آید، جیگاه ویژه ای به آن بخشیده که می تواند در کنار نخلستان و رودخانه کرخه وباغ مرکبات آن مهمترین مکان گردشگری منطقه باشد. قصر حمیدیه با نام کوشک تاریخی حمیدیه به شماره ۳۹۸۰ در سال ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی کشور ثبت گردید.
متاسفانه قصر حمیدیه تا کنون در اختیار شبکه آبیاری کرخه وشاوور می باشد وعلاوه بر قدمت تاریخی آن در دوران دفاع مقدس نیز مقر استقرار سپاه حمیدیه بوده در دوران جنگ تحمیلی سردار شهید علی هاشمی با تکیه بر نیروهای مردمی شهر حمیدیه، سپاه حمیدیه را تاسیس کرد و فرماندهی آن را از قبل جنگ و تا دورانی در زمان جنگ در دست داشت. با وجود بسیاری از دلاوری های زمان جنگ تحمیلی در حمیدیه، آثار آن در وضعیت بسیار اسفناکی بسر میبرند. آثار دوران جنگ باید مورد حفاظت قرار گیرند و هیچگاه مورد تجاوز و تخریب قرار نگیرند چرا که حفظ آثار گذشتگان برای آیندگان بسیار ضروری ومهم است.
از دیگر آثار تاریخی حمیدیه محوطه تاریخی حمیدیه است، که در برخی جاها آن را هم نام کرخه می دانند و آن را به نام محوطه تیری ذکر می کنند. تیری نام تاریخی کرخه است که از وسط شهرحمیدیه می گذرد. تیری یک واژه آرامی است که به معنای دروازه است.
محوطه تاریخی تیری به شماره ۷۹۳۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است اما متاسفانه این اثر تاریخی نیز همچون دیگر آثار تاریخی کشورمان در وضعیت نابسمانی بسر می برد و از زمان ثبت آن تا به امروز، بارها مورد تجاوز و تصرف قرار گرفت و دربرخی موارد در آنجا ساخت وساز هم شده است. قدمت محوطه تاریخی حمیدیه به دوران های باستان باز می گردد و از اهمیت ویژه ای جهت تعیین قدمت تاریخی این منطقه برخوردار است. می توان با انجام حفاری هایی قدمت تاریخی آن را به خوبی تعیین کرد و در شکوفایی وایجاد زمینه های توریسی این شهرستان گام های مهمی را برداشت.



فراخوان پنجمین جشنواره شعر رضوی به زبان عربی (یادمان دعبل خزاعی) منتشر شد.

فراخوان پنجمین جشنواره شعر رضوی به زبان عربی (یادمان دعبل خزاعی) از سری برنامه های دوازدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (ع) منتشر شد.
به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان،بر اساس این فراخوان، پنجمین جشنواره شعر رضوی به زبان عربی (یادمان دعبل خزاعی) از سری برنامه های دوازدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (ع) به مناسبت میلاد با سعادت عالم آل محمد علی بن موسی الرضا (ع) و کریمه اهل بیت فاطمه معصومه(س)، و به شکرانه ورود شکوهمند آن امام همام از خاک خوزستان و دروازه ورود تشیع به سرزمین ایران،شهریور ۹۳ به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان با همکاری بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع) برگزار می شود.
این جشنواره با هدف اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی،گسترش فعالیتهای فرهنگی هنری و مذهبی و مرتبط با سیره ائمه معصومین بویژه امام رضا (ع)،گرامی داشت تولید کنندگان و پدید آورندگان آثار برتر فرهنگی هنری در زمینه سیره،شخصیت و معارف امام رضا (ع) و کمک به انتشار این آثار و گسترش آفرینش های فرهنگی و دینی در زمینه شعر به زبان عربی برگزار می شود.
بر اساس فراخوان منتشر شده،محورهای موضوعی جشنواره در دو بخش اصلی شامل:سیره و زندگی حضرت امام رضا (ع)،مناقب و صفات حضرت امام رضا (ع)،کرامات و فضیلت ها و جلوه های فرهنگ رضوی (علم،شفاعت،حلم، شفا،مهربانی و بخش ویژه شامل برگزاری نشست های علمی پژوهشی و ارائه مقالات پیرامون شاعرانی که به مدح،ثنا و مناقب امام رضا (ع) پرداخته اند مانند دعبل خزاعی،ابن سکیت،ابونواس اهوازی و ....برگزاری نشست های شعر خوانی از آثار شاعران دوره امام رضا (ع) و برگزاری جلسات مشاعره به زبان عربی می باشد.
در بخش شرایط شرکت در این جشنواره آمده است،ارسال آثار در کلیه سبک ها و قالب های شعر عربی (قصیده، غزل،ابوذیه، موال و . . .) آزاد است.اشعار ارسالی باید از محتوایی مناسب پیرامون (مدح،ثنا و مناقب) امام هشتم برخوردار باشند.اشعار قبلاً در کنگره و یا جشنواره شعری شرکت نکرده باشند.برای ارائه دهندگان آثار محدودیت سنی وجود ندارد.اشعار در کاغذ A4 و در نرم افزار WORD ۲۰۰۳ با فونت ۱۴ به همراه CD به دبیر خانه جشنواره ارسال شود.حضور صاحب اثر در صورت برگزیده شدن در جشنواره الزامی می باشد.
بر اساس فراخوان منتشر شده،مهلت ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره ۱۵مردادماه ۹۳،انتخاب آثار و ابلاغ به پذیرفته شدگان ۲۵ مردادماه ۹۳ و برگزاری جشنواره شهریورماه ۹۳ همزمان با دهه کرامت اعلام شده است.
شرکت کنندگان می توانند آثار خود را به نشانی دبیرخانه: اهواز،امانیه،خیابان فلسطین،اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان صندوق پستی ۴۳۸ تلفن ۵-۳۳۳۳۰۹۴ ، نمابر ۳۳۶۰۶۰۴- و ۳۳۳۲۷۲۳ و یا از طریق آدرس khz@farhang.gov.ir ارسال کنند.
گفتنی است،علاقمندان میتوانند فرم شرکت در جشنواره را از سایت www.khz.farhang.gov.ir،منوی سمت راست قسمت فراخوان ها و جشنواره ها،فراخوان پنجمین جشنواره شعر رضوی به زبان عربی (یادمان دعبل خزاعی) دریافت کنند.

اقلام الصباح

حكاية

مزبان الحانوتي


ماجد ناصری

كان هناك رجل عجوز يعيش حياته البسيطة بجانب زوجته و كان يعد الدقائق و الثواني لإستلام ترشيد الحصة التموينية - يارانه- لشراء قوت يومه و كانت لديه بقرة يخرج بها عند الظهيرة في شواطئ كارون اليابسة لتحصل على ما قسم الله لها من رزق و يستمد حياته من حليبها في كل صبح و مساء ، كان الرجل العجوز يبيع حليبيها على بعض الحوانيت في كل يوم و كان مزبان الحانوتي زبونه الدائم . و كان في كل يوم يشتري كيلوين لا يزيد و لا ينقص و قد رضي عن الرجل العجوز و عن حليبه و أخذ يشتري منه بثقة تامة لفترة طويلة . إلى أن أخذ يفكر إن كان الرجل العجوز صادقاً معه في الحليب أم لا .... فذات يوم عندما أستلم الحليب و رجع إلى حانوته كالعادة ، أخذ يزن الحليب بالميزان ، فقد كان الحليب ناقصاً خمسين غراماً عن الكيلوين ، عدم مصداقية الرجل العجوز جعل الحانوتي يغضب شيئا فشيئا و أنذاك ذهب إلى الرجل غاضباً و شرح الموضوع بحذافيره له و لزوجته و كال لهم الشتائم ، فرد عليه الرجل قائلاً :«والله لا علم لي بهذا الأمر لكن كنت قد أشتريت منك كيلوين سكرا سابقا و أتخذتها مكيالا» ازن به بدل المكيال الذي فقدته منذ فترة وجيزة . أخذ الحانوتي يخجل على ما فعله و يردد : فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ .

قصة قصيرة

حلم المستحيل


عماد نواصر

يترقب الساعه بنظراته و ينتظر الموعد،اللحظات تمضى بتأنى و الصبر يفقد صبره،ينهض،يقفز،يعمل رياضه و بعدها يذهب و يُشغل التلفاز و يحاول استهلاک الوقت،يمسک الجهاز و يبداء بتغليب القنوات.يقترب الموعد و الأضطراب يبداء بشل حركته و جسمه يقف عن الحركة.يُسرح شعره،يكوى ملابسه،و يجهز نفسه للخروج.يقترب نحو الباب،يفتحه و ينزل على سلالم الدرج،يذهب الى الشارع الرئيسى،يركب سيارة اجرة و يزعم.بعد الوصول مباشرةً ينزل من السيارة،يقف للحظات،يُخرج مشط صغير من جيبه و يمشط شعره.يشعر بأنه نسى شيئاً،يعدل الكرافه و يخطى.يفتح باب المطعم و يدخل،يرقب الكراسى للحظات و يبحث عنها بنظراته،يجدها و يذهب اليها.يصافحها و يقبلها على خدها و يجلس بجانبها على الطاولة.يطلب قهوة،لا شىء أحلى من فنجان قهوة ساخن فى الشتاء القارس و انت بجانب الحبيبه.يحلق فى السماء و يعترف لها عن مشاعره و يصرخ بصوتٍ عال و يهز المطعم(أنا احبكى) يأخذها و يطير بها إلى الشارع.وفجأة خابت كل الأمال، نهضت من النوم و إكتشفت بأنه كان حلم تحقيقه مستحيل و اجتماعنا انا و حبيبتى صعب و يبقى هذا مجرد وهم.

إبراهيم نصر الله يصعد كلمنجارو "من أجل الأمل"

*وليد بدوى

قبل أكثر من عشر سنوات كتب الشاعر والروائي الفلسطيني إبراهيم نصر الله ديوانه الشعري "مرايا الملائكة" عن طفلة فلسطينية استشهدت بقذيفة دبابة إسرائيلية في غزة. كان الديوان المكرس بأكمله لها سيرة متخيلة للطفلة إيمان حجو وهي في الشهر الرابع من عمرها، لم يتح لها القهر والظلم وسطوة الموت أن تمشي على قدميها. ذلك الديوان ترك أثرا عميقا في داخل نصر الله، "كان صعبا، مرهقا، وقاسيا على المستوى العاطفي بالنسبة لي، حتى أنني كنت على يقين أيامها من أنني لن أعود إلى الشعر ثانية".

يقول إبراهيم نصر الله في ديوانه ذاك:

"هناك الكثير.. ولكنهم ههنا لا يريدون غير الأقل: صعود الجبل".

أما الآن فإن ثمة جبلا حقيقيا اسمه كلمنجارو في تنزانيا وهو رابع أعلى قمة في العالم سيصعده الشاعر يوم السابع عشر من يناير/كانون الثاني ٢٠١٤، برفقة الفتى معتصم أبو كرش من غزة والفتاة ياسمين النجار من مدينة نابلس وهما اللذان أفقد عنف الاحتلال الإسرائيلي كل واحد منهما ساقا.

وكانت بطلة صعود الجبال الفلسطينية سوزان الهوبي (أول امرأة عربية تصعد قمة إفرست) حدثت إبراهيم نصر الله عن مشروع تنظيم رحلة إلى قمة جبل كلمنجارو دعما لجمعية إغاثة أطفال فلسطين التي يعود لها الفضل في علاج آلاف الحالات لأطفال فلسطينيين، سواء أكانوا مصابين بأمراض أو من أولئك الأطفال الذين تسببت قوات الاحتلال الصهيونية ببتر أعضائهم أو فقء أعينهم، أو إحداث أضرار بالغة في أعضائهم الداخلية.

لماذا كلمنجارو؟

قدمت الجمعية العلاج اللازم لمعتصم وياسمين، كما قدّمته لآلاف غيرهما، وأدرك الاثنان ببصيرتيهما الإنسانية العميقة، أن دورهما قد جاء لتقديم المساعدة لأطفال آخرين، في ظل وجود ضحايا جدد كل يوم، وضحايا لم يجدوا العلاج بعد، بين صفوف أطفال الفلسطينيين في الداخل والخارج أيضا.

ودعا الشاعر للتبرع لهذا المشروع، قائلا «إن كل مبلغ، أيا كان حجمه سيكون خطوة يخطوها معتصم وتخطوها ياسمين نحو القمة، كما سيخطوها أطفال فلسطين نحو حريتهم، خارجين من واقع اليأس إلى شمس الحرية والأمل».

ولكن، لماذا كلمنجارو؟

إنه الجبل الذي ألهم القارة الأفريقية، في رحلتها إلى الحرية، حيث كانت تنزانيا أول بلد أفريقي يتحرر من الاستعمار وينال استقلاله.

وذات يوم كتب أحد قادة حركة التحرير التنزانية: «سنوقد شمعة على قمة الجبل لتضيء خارج حدودنا وتعطي الشعوب الأمل في وضع يسوده اليأس، الحب في وضع يسوده فيه الكره، والإحساس بالكرامة في وضع يسود فيه الإذلال».

وعن الذين سيصعدون الجبل دعما للأمل الفلسطيني يقول إبراهيم نصر الله «يا إلهي، كأنهم سيقومون بما لم تستطعه إيمان حجو، الشهيدة، ابنة الشهور الأربعة، وسيمسكون بيد إيمان وأيادي آلاف الأطفال في فلسطين وفي كل أنحاء العالم وهم يسيرون نحو القمة».

بحثا عن جذر مشترك مع الشعرية العربية

التيارات الشعرية الحديثة في إيران .. محاولة تقديم

الجزء الأخير

احمد الحيدرى-حمزه كوتى

شعر ، به دقيقه أكنون (الشعر ، بالدقيقة الحالية)

ظهر كتابان يحملان عنوان (شعر ، به دقيقه أكنون) يحملان مختارات شعرية لمجموعة من الشعراء قامت الشاعرة «فيروزه ميزاني» باختيارها في محاولة لتقديم الواقع الشعري في إيران في آخر دقيقة له . و لتدل القارئ على أحدث مفرادات شعرائهما .

أخذت التسمية بالانتشار تحت هذه التسمية ولكنها لم تصل أبدا الى أن تكون مدرسة أو اتجاها شعريا . بل انتهى دورها في هذه الحدود مع الكتابين ، لكن الدقيقة الشعرية لم تتوقف ولن .

والمثير أن النقاد أو الشعراء غالبا ما يشيرون الى أن من يريد دخول الشعر باحتراف عليه قراءة (شعر به دقيقه أكنون) حتى يكتمل لديه المشهد الشعري ومراحله الأساسية .

وركزت «فيروزه» في اختياراتها على النصوص القصيرة ، حتى بات هذا الطابع هو المسيطر على مختاراتها في المجموعتين الشعريتين ، فمن الناحية الفنية اختيرت النصوص لما تتمتع به من جمالية طاغية وشفافية تتفجر رغم قصرها لإشعال اللحظة الشعرية الراهنة في إيران .

أبرز أسماء الشعر ، بالدقيقة الحالية : فرامرز سليماني (٥) ، سيروس رادمنش ، فيروز ناجي ، هوشنك جالنكي ، قاسم آهنين جان ، فهيمة غني نجاد ، بيجن جلالي ، هرمز علي بور ، أريا آريا بور .

رضا براهني (شعر زباني)

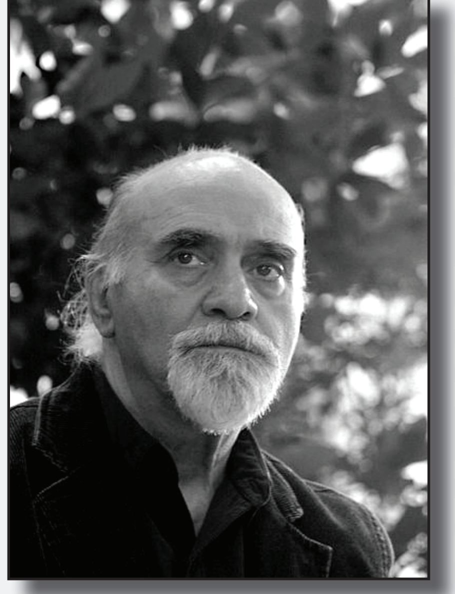
رسم «رضا براهني» قصائده الأولى بالألوان النيمائية ، ثم تحول الى الشعر السبيد لكنه لم يستقر فارتضى لنفسه تيارا خاصا .

صدر الديوان الأول لرضا براهني قبل الثورة الإسلامية مثبتا منذ البداية شاعريته ، و في الوقت نفسه تمتع الشاعر براهني بروح نقدية ثاقبة ، ففي كتابه النقدي (التاريخ الذكوري) حلل النصوص الأدبية القديم منها والحديث و ميز اللغة الذكورية فيها التي واكبت النص الفارسي ، بل سيطرت على الأدب والثقافة الإيرانية فأثار ضجة في الأوساط الأدبية في إيران .

شعر زباني (الشعر اللغوي)

(خطاب به بروانه ها) أي خطاب الى الفراشات ، هو الديوان الذي أعلن فيه الشاعر «براهني» عن خطاب شعري جديد يعتمد اللغة اعتمادا يختلف عمن سبقه ، وهو ديوان أقرب الى البيان الشعري لتأسيس خطاب جديد .

الجسد الشعري الإيراني عانى في فترة الحرب من جمود ، بل أصابته سكتة شعرية ، مع التذكير بفترة النصوص الحماسية



التي لم تخلو من ومضات شعرية ، كان يحتاج الى إنعاش مستعجل ، بعد أن الشعراء لمسوا أنهم تخلفوا ليس فقط عن ركب الشعر العالمي ، بل حتى عن التجارب التي ظهرت قبل الثورة وبعدها ، فكان الشعر اللغوي مع براهني إنعاشا للجسد الشعري بخطاب جديد .

قام براهني في ديوانه برسم خارطة مستحدثة تعتمد تغيير القصيدة والخروج على قوانينها الحديث منها والقديم . متأثرا بمفكرين مثل دريدا و رولان بارت وياكبسون .

في الشعر الزباني (الشعر اللغوي) نجد الشاعر فيه يفلت من قوانين لغته القديمة ، محاولا كسر البنية وكسر ارتباط الفعل والفاعل والمفعول ، فقدان المعنى الزمني والزمن الإيدلوجي للخروج على الأيدلوجيات قاطبة ، فيتحول الزمن في النص إلى زمن لا متناهي أو فوق الزمن نفسه ، واللغة هي وليدة اللحظة الشعرية ، لغة لقيطة لكنها في الوقت ذاته تحمل معناها أو ذاتها و بعدها المتصل بلحظة ولادتها الشعرية ، واللغة ليست معبرا لموضوعات مثل الحب و الحرب فقط ، بل لتناول الحب والحرب في تركيبة لغوية شعرية تتعمد الخروج على موضوعات الحب والحرب المألوفة عبر لغة تتلاعب بهما كيفما شاءت ، لتتركهما عجينة لغوية رخوة وعصية معا ، دوران يبقى معلق بين سماء وأرض.

الفراغات الشعرية / اللغوية التي يصادفها القارئ تترك مساحات بين الكلمات والأفعال ليكمل القارئ المعنى حسب قراءته ، أي أن القصيدة تبقى مفتوحة لتكون قصائد مع كل قراءة .

الفراغات في النص تترك للقارئ فرصة التفكير لربط الكلمات و الأفعال ببعضها بعضا ، مساحة هادئة أو صاخبة للتفاعل مع النص و لغته المتناثرة في زواياها المضيئة أو المعتمة . ليجد القارئ نفسه يواجه كون القصيدة أو كون الكون ، وفي الوقت نفسه ينفي الكون ، ولعل نفي الكون هو نفي للغة .

إذاً حركة القصيدة هي حركة دائرية توصل إلى نفي لغوي .

قلة من الشعراء المعاصرين ، و لاسيما الشباب ، فهموا ما يحاول الشعر اللغوي رسمه ، فجاءت أكثر التجارب نصوصا مستنسخة لما سبقها ، وأحيانا التورط في متاهة أبعدتهم عن هذا الخطاب الشعري .

تجربة رضا براهني رغم أنها حديثة ــ وهي مطروحة بقوة بين الشعراء الشباب ــ تحتاج الى وقفة أكبر من هذه لاستيعاب حركتها و لاستيعاب خطابها ، فضلا عن وجود الكثير من معارضيها من الشعراء الشباب ، فرغم ممارستهم لها لا يودون أبدا أن يعرفوا بانتمائهم إليها !.

ليست خاتمة

تبقى الساحة الشعرية في إيران رغم كل ما ذكر تنتج مختلف أشكال الشعر المتناهي في القدم الى الجديد ، و هو ما يستدعي منا رصد أعمق للخروج بحصيلة ترضي القارئ عن الاتجاهات والحركات الشعرية في إيران ، ولكن المتوقع هو بين فترة و أخرى أن يكون هناك شعر جديد يهز الوجدان فالشعرية الإيرانية طالما كانت على موعد مع الجديد .

خطوة نحو عالم الطاقات المتجددة

فهيمه چعب

امير كرملا چعب مواليد ١٣٥٠ ساكن مدينة شيبان من احدى الناشطين فى شوؤن الطاقات البديلة الذى استطاع ان يحقق ابتكارا جديد من خلال البحوث الواسعه فى الطاقة النقيه و تمكن من إنتاج الهدروجين بطريقة سهله الذى سلسلت هذه المراحل فى مختبر متواضع فى المنزله ، و فى عام ١٣٩٠ حاز على شهادة اختراع طريقة ناجحه لتكرير غاز الهدروجين و إخزانه دون خطورة بإستخدام القليل من المياه و الكهرباء.

- سيد امير لماذا غاز الهدروجين بالضبط؟

لأن الحديث اليوم فى الكثير من البلدان المتقدمه هو عن مصدر طاقة نقية دون تلوث و ايضا بألفات النظر على تواتر استهلاكها دون ان تنفد ،و بعد ما العلماء كشفوا اسرار الهدروجين بانه يحمل طاقة كبيره و اكثر العناصر انتشارا ،تسلطت الاضواء على هذا الغاز الثمين و اخذ حائزا من الأهمية عند الخبراء فى شوؤن الطاقات البديلة للطاقات الحفريه.

- ما هى ميزة غاز الهدروجين عن سائر الوقود ؟

معظم الطاقة التى يستخدمها العالم فى الوقت الراهن تأتى من الوقود الحفريه التى تكلف البيئة الكثير من التلوث و السموم الهائله ، اما بالنسبة للطاقة المتجددة و من ضمنها الهدروجين فهى طاقة نظيفة لاتلوث البيئة كما انها لا تنفد ايضا، فيمكننا ان نخزنها إلى متى نريد و حيث نشاء و نستطيع الإستغناء عن الطاقات الملوثة فى مستقبل قريب.

- كيف يتم استخراج الهدروجين الصافى مع انه سريع الاشتعال و قابل للانفجار؟

يتم استخراج الهدروجين عن طريق الأحماض مع الفلزات مثل الزينك ولكن هذه الطريقة ليس صالحه لتخزين هذا الغاز بصورة واسعة ،اما لتحضره بكميات كبيرة ، يتم ذلك عن طريق تعديل البخار بالغاز الطبيعى و ايضا هناک طريقة اخرى لاستخراج الهدروجين الذى تعتبر من قبل الخبراء طريقة مكلفة و ليس قابله لتوسيع هذه الطاقة بشكل تجاري و هى طريقة تحليل الكهربائى.

حدثنا عن طريقتك الخاصة لإستخراج غاز الهدروجين.

طريقتى هى التى الكثير من الخبراء يعتبرونها مكلفه و لم يمكن استخدامها بشكل واسع ولكن انا استطعت ابداع طريقة سهله و رخيصه للإنتاج هذا الغاز بتحليل الماء بواسطة القليل من الكهرباء و الفات نظرة الكثير من الأساتذه و الباحثين فى مجال الطاقات الحديثه و فزت بشهادة اختراع من وزارة العلوم.

- هل استخدمت طريقتك هنا ؟

لامع الأسف مع ان التلوث هنا يزداد يوم بعد يوم ولكن يستقرق القليل من الإهتمام ولا احد يتابع الطاقات المتجدده طال ما يحظون بالطاقات الحفريه

- ماهى دراستك؟

ديبلم

- كيف استطعت التقدم لهذه الدرجه و انت لم تتجاوز الديبلم؟

اهم شى الذى ساعدنى هو قرائة الكتب و اجراء التحاليل و لو بابسط حاله ولكن اعتبرها نقطة انطلاق.

- ما هى الصعوبات التى واجهتها اثناء عملك؟

كانت الصعوبات كثيرة ولكن من اهمها الظروف المادية التى كانت تداهمنى دائما ، خاصة عند شراء الكتب و الأدوات اللازمه للتحاليل و ايضا صعوبة الحصول على المواد النادر الذى كنت احتاجه ، و اذا نضع كل هذه الصعوبات فى كفة واحده نجد فى الكفة الاخرى خطورة عملى الذى كنت امارسه فى احدى غرف المنزل و هذا الامر كان دائما مهدد لحياة عائلتى و لكن لم يكن امامى خيار آخر.

- و هل زالت هذه الصعوبات عندما اعترفوا الخبراء بأنك باحث بديع؟

لم يختلف الامر ابدا ، عدت فى مختبرى البسيط فى المنزل و كائما لم يحدث شيئا هام ، عدت اكمل بحوثاتى كالسابق بامل و توكلى على الله ان لايحدث خطر لعائلتى ، لم اجد اهتمام ولا دعم من قبل وزارة العلوم و الاختراعات و لا حتى استلمت دعوة للمشاركة فى سمينارات العلمية او استقطابى لمختبر احدى الجامعات فى الاهواز.

- سيد امير ماهو جديدك فى البحث؟

قدمت مقال تحت عنوان)پيلهاى سوختى جديد(، ولكن لم استلم رد لحد الان ، ايضا اتابع البحث فى طريقه جديده لعلاج الامراض القلبيه خاصة انسداد العروق دون عملية و يتم هذا العلاج بحبوب نباتية و علاج سرطان الثدى و ايضا استخدام مياه المجارى لتوليد الكهرباء.





سيف العادات والتقاليد القاتل

*عاطفه بيت صياح

هذا صوت لمياء يبلغ أذنى ماذا حدثَ لها يا إلهى أخاف أن أصابها مكروه عدوتُ نحو غرفتها فعلىّ أن أراها فوراً طرقتُ الباب لكنها لا تفتحه ولا تأذن لى بالدخول حينها سمعتها من وراءِ الباب وهى تناجى القمر وتقول: أيها القمر المنير إنکَ أشرقتَ الأرض هضابها وسهلها ،عامرها وغامرها فهل لکَ أن تشرق نفسى وتبدّد ما أظلمها من سحب الهموم والأحزان ؟ كلانا يقطع مسيره منكسراً حزيناً صامتاً هادئاً يرانى الرائى فيحسبنى سعيدةً لأنه يغتر بإبتسامة فى ثغرى ولو كشفتُ له عمّا فى نفسى لبكى على بكاءِ الخنساء زمنٌ كنتُ حرةً وأمرح مرح الظبى فى البيداء ففارقنى فجرى ومؤنسى وأصبحت آنسُ بکَ وبغسقِ الليل أيها القمر. تسمرتُ فى مكانى وأنا أسمع أنينها وتأوئها تمالكتُ نفسى وأخذتُ أفكرالإنسان مخير وعقيدة الجبر تقضى عليه ها هى ذا لمياء قد سلطت العادات والتقاليد سيفها المسلول على رأسها (زواج ابنة العم من ابن عمها) و وقفت رياح حياتها وأمسى هذا البلاء فى عينها قذى و فى قلبها شجى.

English story

Socrates and success

Amal Qasem

A young man asked Socrates the secret of success. Socrates told the young man to meet him near the river the next morning. They met. Socrates asked the young man to walk with him into the river. When the water got up to their neck, Socrates took the young man by surprise and swiftly ducked him into the water

The boy struggled to get out but Socrates was strong and kept him there until the boy started turning blue. Socrates pulled the boy's head out of the water and the first thing the young man did was to gasp and take a deep breath of air

Socrates asked him, «what did you want the most when you were there?» The boy replied, «Air». Socrates said, «That is the secret of success! When you want success as badly as you wanted the air, then you will get it!» There is no other secret.

موفّقيت و سقراط

مرد جوانی از سقراط رمز موفقيت را پرسيد كه چيست. سقراط به مرد جوان گفت كه صبح روز بعد به نزديكی رودخانه بيايد. هر دو حاضر شدند. سقراط از مرد جوان خواست كه همراه او وارد رودخانه شود. وقتی وارد رودخانه شدند و آب به زير گردنشان رسيد سقراط با زير آب بردن سر مرد جوان، او را شگفت زده كرد.

مرد تلاش می كرد تا خود را رها كند اما سقراط قوی تر بود و او را تا زمانی كه رنگ صورتش كبود شد محكم نگاه داشت. سقراط سر مرد جوان را از آب خارج كرد و اولين كاری كه مرد جوان انجام داد كشيدن يک نفس عميق بود. سقراط از او پرسيد، « در آن وضعيت تنها چيزی كه می خواستی چه بود؟» پسر جواب داد: «هوا»

سقراط گفت:» اين راز موفقيت است! اگر همانطور كه هوا را می خواستی در جستجوی موفقيت هم باشی بدستش خواهی آورد» رمز ديگری وجود ندارد»

سقراط و النجاح

رجل شاب سأل سقراط عن سر النجاح في الحياة. فقال له سقراط له تعال صباح يوم الغد قرب نهر المدينة سأجيبک عن هذا السؤال.

في صباح يوم التالي حضر الإثنان جنب النهر فطلب سقراط من الشاب أن يعمل كل ما يطلب منه فوافق الرجل ،فدخلا معاً النهر. و استمرو بالمشى فى النهرحتى وصل ماء النهر تحت عنقهما ،فوقف سقراط و اوقف الرجل فمسک برأس الرجل و أدخله تحت الماء بقوه ،كافح الرجل لتحرير نفسه ، ولكن كان سقراط أقوى من كفاحه و أبقاه تحت الماء بقوة . و بعد لحظات أخرج راسه و أول شيء فعله الشاب استنشق نفسا عميقا .

سأله سقراط : «في هذه الحالة ، ما هو الشيء الوحيد الذي كنت تفكر به وتبحث عنه، و أنت تحت المياة؟ « أجاب الشاب ، « الهواء «فقال سقراط، « هذا هو سر النجاح! كما كنت تبحث عن الهواء و أنت تحت الماء ،فأبحث عن النجاح فسوف تحصل عليه ، «فلا يؤجد سراً آخر.

شعر

التاريخ الغافي

*سيد سعيد خجسته

ناموا يا صغارَ مدينتي
ناموا و إركبوا سجاد أحلامكمُ المندرسة
ناموا و إحلموا بالوحشِ و الوباءِ و الضفادعِ المقاتلة
في رحاب النجومِ الحافيات
و أناشيدِ الأمومةِ الطامة بالرعبِ و الإنفراد
ناموا
في ظلِّ النخيل الطافحِ بالشَّمس
و الغاصِّ بالخوف من وحشِ النفط الحارق
و في أحضان السنابلِ التي تإنُّ لبطون المساكين الجالسين كحشدٍ من النمل
و على سُرُر السطوحِ و الأرصفةِ و الأزقةِ و الشوارعِ المعادية بعضها لبعض
صاغين لموسيقى علوان المعبّئةِ بالسّواد
ناموا
كصغارِ الدبّ القطبي
كالأجنّة في بطون أمهاتها""
كالرّاقدين في المقابر الصارخة
كآبائكم
كالآلهه.
ناموا في السبت
ناموا في الأحد
ناموا في الإثنينِ و الثلاثاءِ و الأربعاءِ و الخميسِ و الجمعة
ناموا من آدمِ الى الآن
ناموا في تقويمِ الفرسِ و الرومِ و العرب
و كأن التأريخَ لم يصورّكم بمصورتهِ الصينيةَ الصّنع
و لم يترک لكم ذكراً في أوراقهِ الّى حروفاً مقطعة
و يقطعُ دابركم
و يقتلُ العجوزَ التي تروي قصةَ طفوليّتكم المعكَّرة لصغارها
ناموا...
نامو...
فالنّار مثواكم إذا أفقتم.